



اینجا همه راننده می‌شوند

آموزشگاه رانندگی در تمام تاریخ این پدیده، اوایل مسیری بود سهل‌الوصول برای گواهینامه و شده تنها پل اخذ تصدیق، شده مونوپولی و آموزشگاه‌ها هم برای جلب مشتری خدمات بهتری ارائه می‌کنند.

گزارش حضور یک‌روزه در يك آموزشگاه رانندگی

اینجا همه راننده می‌شوند

جام جم آنلاین: آموزشگاه رانندگی در تمام تاریخ این پدیده، اوایل مسیری بود سهل‌الوصول برای گواهینامه و شده تنها پل اخذ تصدیق، شده مونوپولی و آموزشگاه‌ها هم برای جلب مشتری خدمات بهتری ارائه می‌کنند.

حالا عده‌ای که شرایط خاصی دارند مجوز می‌گیرند و به لطف مجوزشان دفتری راه می‌اندازند برای فروش گواهینامه که داستانی دارد برای خودش. بعد همه باید بیایند، صف بکشند، به جای اخم افسرهای شهرک آزمایش با منشی‌های مدرن و مدرسان رانندگی و امتحان کم‌حرف سر و کله‌ای شیرین بزنند، این می‌شود مسیر جدید رانندگی در ایران؛ اما پرسش اینجاست اینها که می‌بینیم را ناظران هم می‌بینند؟ گزارش ما یک روز کامل در يك آموزشگاه است بدون حرف اضافی و بدون سانسور.

ثبت‌نام، رویای شیرین رانندگی

برای شرکت در آموزشگاه رانندگی به سحرخیزی نیازی نیست، درست مثل بانک‌ها باجه‌بندی شده است و برای این کار هر زمان که اقدام کنید هستند کسانی که این ثبت‌نام را انجام بدهند، با این تفاوت که در ساعات پیک کاری، شما باید در صف بایستید.

صف هم کلمه آشنایی است که در اینجا تشکیل شده از يك سري نوجوان تازه هجده رد کرده، يك سري خانم‌های خاص که بعضی‌هایشان توجهی به تابلوهای #171 رعایت کنید» ندارند، يك سري افرادی که نگاهشان به گواهینامه يك وسیله تجملاتی است و يك سري آدم معمولی با خواسته‌های معمولی!

نوجوان‌ها از همه بیشتر عجله دارند، با تیپ‌های امروزی و گواهی‌های اشتغال به تحصیل که وقتی گپ می‌زنی گواهینامه را دیواری می‌بینی مقابل آرزوی رانندگی و در اغلب افراد نقش پدر و مادری پررنگ دیده می‌شود که رانندگی یا اصلا خرید خودرو را منوط به اخذ تصدیق کرده‌اند، غافل از این‌که راه خیلی دوری هم ندارند این گواهینامه‌های امروزی!

گروه دیگری هم در این بین خانم‌هایی هستند در بازه سنی 25 تا 35 که می‌خواهند برای پولشان یا احيانا پول همسرشان چاله‌ای بکنند و چه چاله‌ای بهتر از خودرو!

در این میان هم هستند افرادی که بعد از عمری رانندگی یاد گواهینامه افتاده‌اند یا پس از عمری بی‌ماشینی بالاخره فهمیده‌اند راز بقا در تهران به چیست.

هر چه هست اینجا همه در يك صف می‌ایستند تا مدارکشان را به منشی‌ای تحویل دهند که اغلب همه را به يك چشم می‌بیند و مانند بسیاری از دفاتر دولتی و نیمه دولتی، حالا که زورش به همه می‌رسد حسابی قدرت‌نمایی می‌کند. به هر حال همه را باید به يك چشم دید، آن هم در جایی که همه با هر سابقه‌ای در يك صف می‌ایستند.

تکمیل مدارک کار بسیار سختی است. همه چیز يك برگ کپی می‌خواهد. برگه تعیین گروه خونی، چند قطعه عکس و گواهی پزشکی که مثلا معاینه چشم است، ولی همه چیز را چک می‌کنند و خودش برای خودش داستانی است. به هر حال بروکرایی که عرضه حذفش را نداشتیم نیازمند کاغذ است و فتوکپی می‌تواند برای سنگین‌تر کردن پرونده‌ها نقشی اساسی ایفا کند.

دیگر به پول شمردن هم نیازی نیست. چنان دستگاه کارخوان زیاد شده که شما مشتری هر بانکی باشید، به آسانی، در کمترین زمان و براحتی کشیدن يك کارت می‌توانید هزینه خرید گواهینامه را بپردازید.

كلاس هاي آموزشي بر دو قسم اند، عملي و تئوري. شما براي اخذ گواهينامه بايد ابتدا كلاس تئوري را پشت سر بگذاريد. اتفاقا اين يكي سختگيري بيش از حد دارد و غيبت از كسي پذيرفته نيست. شما بايد سقف زماني خود را پر كنيد.

كلاس ها اما بخش فني هم دارند. خيلي ياد نمي دهد. به اندازه اي كه وقتي بعدها كاپوت ماشين را بالا زديد يك سري آهن و پلاستيك آشنا به چشمتان مي خورد و اتفاقا هر چه به ذهنتان فشار مي آوريد، يادتان نمي آيد اين وسيله ها چه نقشي در تحرك خودروي شما بازي مي كنند.

كلاس هاي تئوري اجباري هستند. اينقدر نكات مثبت و آموزنده دارند كه اگر دويست ساعت هم شركت كنيد بالاخره بايد كتاب آيين نامه را تورق كنيد، چون اصولا كلاس ها خيلي تاثيري در امتحان آيين نامه شما ندارد. همه خوشحال مي آيند و به لطف خدا خوشحال مي روند. الحمدلله! مي ماند يك سري كلاس عملي كه البته فلسفه آن از همه چيز سواست.

كلاس عملي

مربي ها دو دسته اند؛ دسته اول چندان علاقه اي به آموزش ندارند و مثل كارمندها ساعت كار پر مي كنند، مثل طرفداران تيم فوتبال برنده هم كه از دقيقه 75 يا 80 شروع به كشيدن سوت ممتد مي كنند، آنها هم از نيم ساعت مانده به پايان كلاس مسيرها را طوري انتخاب مي كنند كه بعضي وقت ها مي بيني سه بار از جلوي در آموزشگاه رد شده اند. حالا حساب كنيد شاگردشان هم كمی رانندگي بلد باشد، حوصله مربي حسابي سر مي رود. دسته دوم هم – كه ان شاء الله تعدادشان بيشتر از دسته اول باشد – آنهايي هستند كه انگار ذاتا معلم هستند. دلشان مي تپد براي ياد دادن. بگذريم كه صف نوبتشان به اندازه جراحان قلب شلوغ است و بايد از دو ماه قبل براي گرفتن كلاس با اين دست مربيان با حوصله نوبت گرفت. معمولا افراد مربيان خانم و آقايمان جا افتاده و خوش اخلاق را ترجيح مي دهند، اما خب همه انگشتان دست يك جور نيست. بگذريم كه البته تبديل نوع اول به نوع دوم هم چندان سخت نيست. مربيان نوع اول و نوع دوم همه به يك اندازه (با اندكي تلورانس) كار بلد هستند. روش هايي هست كه بتوانيد امير حوصله مربيان نوع اول را دستكاري کرده و آنها را به نوع دوم تبديل كنيد. چند نفر از حضاران اين را به ما گفتند. راست و دروغش گردن خودشان.

تفرج صبحگاهي با خودروهاي آموزشي

با كلي عجز و لابه يك نفر حاضر شد ما را به عنوان همراه خود جا بزند و گشتي صبحگاهي همراه مربي آموزشگاه بنيم. مربي عاقل مردی است چهل و يكي دو ساله كه پيراهن مردانه به تن دارد با آستين هاي تا خورده تا پايين آرنج و كتي كه پشت شيشه عقب پهن کرده است، با يك بطري آب معدني، يك بسته بيسكويت ساقه طلايي، يك ليوان شيشه اي، يك شيشه ترشي خالي پر از قند و يك فلاسك فشاري كه هر از چندگاهي تعارفمان مي كند به چاي.

چهارچشمي حواسش به خيابان است و گاهي وقت ها دست راستش را از روي پايش بر مي دارد و با اشاره مسير و خطر را نشان مي دهد.

از پورسانت سنگين آموزشگاه گرفته تا هزينه هاي سرسام آور بنزين و لاستيك و روغن مي گويد و دست آخر هم يكي دو تا پارک دابل و دو ليوان چاي و چرخي در خيابان و يكي دو كار شخصي و مي رسيم جلوي آموزشگاه احتمالا. اين برنامه ده جلسه تمرين رانندگي با مربيان نوع اول است بدون كم و كاست!

آزمون آيين نامه، تستي مثل كنكور

امتحان ها اول صبح برگزار مي شود. قبض هاي بانكي كه پرداخت شد بايد امتحان آيين نامه بدهيد، آن هم در همان آموزشگاه با اين تفاوت كه فضا كمی جدي تر مي شود.

براي امتحانات عموما از بازنشسته ها استفاده مي شود. يك سري برگه با سوال هاي تستي كه تحت هر شرايطي بيش از دو غلط نمي پذيرد. اشتباه سوم مساوي مردودي در امتحان است، درست مثل همان شهرک آزمائش.

شوخي هم ندارند. برگه امتحان هر كس معمولا منحصر به فرد است و چيزي به نام تقلب هم مي گويند وجود خارجي ندارد – ان شاء الله كه راست بگويند – حتي خط خوردگي هم قبول نمي كنند. فقط تنها راه اين است كه كتاب را خوانده باشي. آموزش هاي

کلاسی خیلی هم به یاد ماندنی نیست آن هم در این روش تدریس.

قبول شده‌ها راهی امتحان شهر می‌شوند و مردودها می‌توانند همین فردا برای امتحان مجدد پول بپردازند و دوباره مراجعه کنند. آنقدر این پروسه تکرار می‌شود تا قبول شوید.

امتحان شهر، غول مرحله آخر

امتحان شهر، اما کمی متفاوت است. آقایان را یک نوبت و خانم‌ها را در یک نوبت دیگر می‌برند. آن قدیم‌ها که شما شاید یادتان نیاید – یا شاید هم بیاید – با پیکان امتحان می‌گرفتند. کلاش هم معمولاً اینقدر بالا بود که حرفه‌ای هم بودی قاطی می‌کردی. با این همه خیلی باید بد امتحان می‌دادی تا مردودت کنند! حتی جلوی چشم من یک نفر که خاموش کرد نمره قبولی گرفت.

امروزه اما کمی فرق می‌کند. افسرهای بازنشسته از هر ده کارآموز بار اولی معمولاً شش نفری را مردود می‌کردند، زهرچشم بود، هزینه تراشی یا بخت ما هرچه بود بیش از نیمی از بار اولی‌ها مردود می‌شدند، می‌رفتند پنج هزار تومان می‌پرداختند و یک هفته بعد و پس از سپری کردن چند ساعت با مربیان که حالا بیشتر قدرشان را می‌دانند در امتحان شرکت می‌کردند. هرچند بین آموزش و امتحان تناسب خاصی دیده نمی‌شد، ولی می‌توان این تناسب را برقرار کرد. روش‌هایی هم هست که بگذریم. بعضی از قبول شده‌ها هم که انگار بورسیه کمبریج گرفته باشند چنان پیاده می‌شوند و در دلشان قند آب می‌شود که خیلی حاضر به حرف زدن نیستند و اولین کاری که می‌کنند با تلفن همراهشان تمام عالم و آدم را خبر می‌کنند.

آموزشگاه هم یک فیش تحویل می‌دهد که روی آن نوشته شده اعتباری برای رانندگی ندارد و بیشتر قبض پست است. پست هم یک ماه بعد گواهینامه را در بسته با پاکتی که پول آن را قبلاً پرداخته‌اید و تمبر هم به هزینه شما زده شده گواهینامه را در ازای پرداخت دو تا پنج هزار تومان شیرینی تقدیمتان می‌کند. باشد که با این کلاس‌های آموزشی، یک امتحان، یک سری آموزش تئوری و یک ماه باد خوردن به پشت کمرتان راننده‌ای باشید در خور خیابان‌های شهر تهران! انشاءالله.

گواهینامه پولی؛ گواهینامه شهرکی!

شروع دهه 80 با ورود گواهینامه‌های 70 هزار تومانی همراه بود. جوان‌ها شده بودند دو دسته! آنها که هفتاد چوق آموزشگاه را داشتند یا زورشان می‌آمد و آنها که از اسم شهرک آزمایش هم می‌ترسیدند و حاضر بودند 70 که هیچ، 700 هزار تومان بدهند.

همه ده ساله بود با یک شکل، یک قیافه و حتی یک مهر! فقط جوان ترها کرکری شان بود که مثلاً من از شهرک بار اول گرفتم و فلانی از آموزشگاه بار سوم قبول شد. هرچند هیچ وقت مهم نیست مدرکت را از کجا می‌گیری. مهم این است که تو مجوز رانندگی داری، حالا به قیمت هزار تومان یا 70 هزار تومان!

مرتضی درخشان / جام‌جم